

تاریخ جنبش فمینیسم در یهودیت^۱

جعفر هادی حسن*

عماد الهلالی** و یونس سروری سرای***

چکیده

فمینیسم، جنبشی است که در پی تغییر جهان جدید به جهانی بهتر و عادلانه‌تر برای زنان است. مفهوم جنسیت و معنای رایج آن برای نخستین بار در قرن نوزدهم به ظهور رسید. بعدها در دهه ۱۹۷۰، جنبش فمینیسم پژوهش در مقوله جنس را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. جنبش فمینیسم در یهودیت در نیمه دوم قرن بیستم در آمریکا به وجود آمد که بعدها به جنبش آزادی زن معروف شد که هم‌زمان با جنبش دوم فمینیسم در آمریکا بود؛ چون قبل از آن حرکتی فمینیستی در آمریکا در اوایل قرن بیستم به وجود آمده بود. این جنبش در مقابل حاخام‌هایی شکل گرفت که به زنان اجازه حضور در اجتماع را نمی‌دادند. از مطالبات این جنبش تحقق حضور زنان در موقعیت ریاست یهودیت، برابری زنان و مردان در امور عبادی، دینی و کنیسه است. همچنین این جنبش می‌خواهد زنان بتوانند حاخام شوند، در کنیسه سرود دینی بخوانند، عضو مجالس کنیسه باشند و عهده‌دار تربیت دینی شوند. این تقاضاها در مراحل بعدی گسترده‌تر شد. این مقاله مروری است بر نحوه شکل‌گیری جنبش فمینیسم در یهودیت و مطالبات آنها.

کلیدواژه‌ها: فمینیسم، یهودیت، زن یهودی، حاخام‌ها، جنسیت، جنبش زنان.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: جعفر هادی حسن، «تاریخ الحركة النسوية فی اليهودية» فی: قضایا و شخصیات

یهودیة، بیروت: العارف للمطبوعات، ۲۰۱۱.

** پژوهشگر حوزه زبان‌های سامی و مطالعات یهودی و از شخصیت‌های برجسته جهان عرب.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

**** دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

حاخام‌ها و زن یهودی^۱

جنبش فمینیسم یهودی در ایالات متحده آمریکا هم‌زمان با ظهور جنبش فمینیسم در آمریکای متجدد در نیمهٔ دوم قرن بیستم به وجود آمد که بعدها به جنبش آزادی زنان معروف شد. ظهور این جنبش به طور خاص شالوده‌ای برای تحقیق درباره سرشت زن و جایگاهش در آیین یهود بود. زیرا آنها متوجه شدند زن یهودی به حاشیه رفته است و دیدگاه بدی در خصوص او وجود دارد، همچنین حاخام‌ها با آنان دون شأنشان رفتار می‌کردند. حاخام‌ها به زنان اجازه نمی‌دادند در اجتماع فعال باشند و توانایی‌هایشان را نشان دهند؛ برای همین زنان مدتی طولانی در بی‌توجهی مانده بودند. در قرون گذشته حاخام‌ها بر تمام امور یهودیت - نه تنها بر حیات دینی، بلکه بر تمام شئون زندگی یهودیان - سیطره داشتند. به طوری که در میان یهودیان آرا و عقاید حاخام‌ها حاکم، و در زندگی نیز احکام ایشان نافذ و تأثیرگذار بود که این مسئله تأثیر فراوانی در جامعه یهودی گذاشته بود. به این دلیل جامعهٔ یهودی، جامعه‌ای مردسالار بود که مردها بر آن سیطره داشتند. به زن‌ها اجازهٔ حاخام شدن، سرود خواندن در کنیسه، مسئولیتی در اداره کنیسه، شرکت در نماز، حتی یاد گرفتن و یاد دادن دین داده نمی‌شد. به همین نحو، حتی اجازهٔ طلاق شوهر به زن‌ها داده نمی‌شد، مگر به اجازهٔ شوهرش که باید مرد با دست خودش برگهٔ طلاق را صادر می‌کرد، زیرا این امر مطابق دستور تورات بود.^۲ در کتب یهودی موارد بی‌شمار دیگری هم وجود دارد که بر مطلب بالا صحه می‌گذارد.

این نگاه تحقیرآمیز حاخام‌ها به زنان، جنبش فمینیسم یهودی را از چند جهت به مبارزه با آنها وادار کرد. این نگرش حاخام‌ها به زنان، باعث شد اوصاف ناپسندی به زنان نسبت داده شود که لایق آن نیستند، از جمله: «متکبر، شایعه‌پراکن، تهمت‌زن، درگیر وراجی، فالگوش، حسود، جیغ جیغو، و تشنه لذت». همچنین حاخام‌ها به زن، مخلوقی بی‌هوده می‌گفتند که علاقهٔ شدیدی به روابط جنسی دارد. نیز [معتقد بودند] اگر زنی به کاری مشغول باشد و مواظبش نباشیم، از سیطره خارج می‌شود. حاخام‌ها شهوت بی‌نهایت زن را خطرناک‌ترین چیز می‌دانند و مردم را از آن آگاه می‌کنند تا بر آن چیره شوند. مطالبی که ذکر آن رفت در کتاب *فَرَقی* / *أبوت* آمده است: «اگر شخصی با زنان حرف بزند، شر را به سمت خود جلب کرده، پس این فرد با تورات مخالفت

کرده، وارد جهنم خواهد شد» (Sheridan, 1994: 93).^۳ یکی از سخنان حاخام‌ها درباره زن این است که راه رفتن پشت سر شیر امن‌تر از راه رفتن پشت سر زن است.

در فصل سوم از بخش ۸ کتاب *کتصور شلاحان عاروخ* (که رساله‌ای است عملی برای احکام شرعی در یهودیت): آمده است «برای مرد جایز نیست وسط دو زن، وسط دو سگ یا وسط دو خوک، راه برود» (Shahak & Mezvenisky, 1999: 38).

همچنین در کتاب *الحکمه* از یسوع بن سیراخ آمده است: «شرارت مرد از عاطفه زن بهتر است؛ زیرا عاطفه زن موجب ننگ و رسوایی است» (Ibid.: 14-42). همچنین در کتاب *سفر حسیدیم* (مربوط به قرون وسطا) از قول حاخام «ایشاه عرفاه» آمده: «کلام زن عورت است» (Sheridan, 1994: X11).

از صفات بدی که حاخام‌ها به زنان یهودی نسبت می‌دهند، همان چیزی است که در تلمود آمده است (رساله سبت ۱۵۲b) که «زن عبارت است از کیسه آشغال». این بازتاب همان چیزی است که هر یهودی هر صبح می‌گوید: «خدا را شکر می‌کنم که مرا زن خلق نکرده است» (شی لو عسانی ایشاه) (Biale, 1984: 33-3).

از موضوعاتی که جنبش فمینیسم به سبب آن حاخام‌ها را نقد می‌کند محروم کردن زنان از علم و دانش است؛ چون در طول قرون گذشته علم و دانش، برای اولاد ذکور تأکید می‌شد که این موضوع در رساله *قدوشیم* (الف و ب) در تلمود آمده است: «واجبات دینی بر پدر واجب است نه بر مادر، و زنان از واجبات دینی مستثنا هستند». این گفته حاخام‌ها بنا بر چیزی است که در سفر تثئیه، باب ۶ آیه ۴، آمده است: «بشنو ای قوم بنی‌اسرائیل این چیزهایی که یاد گرفتی، به پسرانت یاد بده».

حاخام‌ها این متن را این‌گونه تفسیر کردند که تعلیم فقط برای پسران است نه دختران؛ از آنجایی که دستوری برای تعلیم دختران نداریم لازم نیست زن‌ها نه به خود تعلیم دهند و نه از دیگران یاد بگیرند (Sheridan, 1994: 85). موسی بن میمون، حاخام و فیلسوف یهودی، به تفسیر حاخام‌ها این مطلب را اضافه کرد که «حاخام‌ها به پدران خانواده امر کرده‌اند که به دخترانتان تورات را یاد ندهید؛ چون هیچ اشاره‌ای در خصوص تعلیم متون دینی برای زنان نیامده است؛ این، به دلیل آن است که زنان فهم ضعیفی دارند و کلام تورات را به چیزهای دیگری تفسیر خواهند کرد که معنایش

متفاوت از معنای اصلی خواهد بود». ولی رأی موسی بن میمون این است که: «اگر شخصی به دخترش تورات یاد بدهد، مثل این است که چیزهای بیهوده‌ای را یاد می‌دهد» (Talmud Torah, Law, chapter 1, rule 13).

سخنان راحیل بیالا نیز به همین موضوع اشاره دارد که فقط مردها در داخل دایرهٔ تعلیم و تعلم قرار دارند و زنها خارج از این دایره هستند ... پس ارتباط و پیوند، طی قرون و اعصار، فقط به پدرها و پسرها تعلق داشته است (Biale, 1984: 32-33). این اقوال معمولاً مربوط به کتاب‌های دینی بود؛ ولی رفته‌رفته به همهٔ موضوعات سرایت کرد، به همین دلیل بی‌سوادی در میان زنان یهودی در گذشته بسیار بود. لورنس هوفمان (پژوهشگر یهودی-آمریکایی) می‌گوید: «یهودیت مثل کتاب‌خانه‌ای می‌ماند که نصف آن خالی است، زیرا منابع یهودی از قبیل تورات، تلمود، میشنا و کتاب‌های نماز، به دست مردان نوشته شده و در نتیجه بیشتر، دیدگاه مردانه به جهان را بازتاب داده‌اند و به زنان اعتنائی نکرده‌اند، انگار زنان وجود خارجی ندارند و از صحنه غایب‌اند» (Sheridan, 1994: 152).

همچنین در یهودیت، این مرد است که از طریق ختنه با خدا پیوند می‌بندد، درس می‌دهد و حق دارد متون دینی را قرائت و بازخوانی کند و فقط مرد حق دارد با رسیدن به سن بلوغ شعایر دینی را برپا کند، ازدواج کند یا طلاق دهد. نیز واجبات، که شامل اوامر و نواهی است، بر عهده مرد است (Ibid.: 54). ماری دالی می‌گوید زنان یهودی در اجتماع موجودی اضافی بودند: «ما زنان بیگانگانی بودیم که نه تنها در سیاست نبودیم بلکه حتی حق فکر کردن هم نداشتیم و این در عالم مردسالاری، خودخواهی است که بیان می‌کنند حتی دستگاه‌های فکر را مردان خلق کرده‌اند و این تجربه زنان را بازتاب نمی‌دهد، بلکه هویت و تجربه زنانه را تحریف هم می‌کند».

جنش فمینیسم، دیدگاه حاخام‌ها درباره زنان به مثابه سوژه جنسی را نیز نقد می‌کند. ماریک بلیمب (Marik Blimb) می‌گوید: «اگر نگاه دقیقی به شعایر یهودی داشته باشیم متوجه می‌شویم که زنان موجوداتی هستند که به چشم نمی‌آیند و هیچ اشاره‌ای درباره آنها وجود ندارد، فقط در جایی زنان نزد حاخام‌ها ظاهر می‌شوند که مربوط به مسئلهٔ جنسی باشد، چون آنها به شعائری که مربوط به مسائل جنسی است یا نتایج جنسی برای مردان داشته باشد، اهمیت می‌دهند».

نیز آمده است: «نظر جامعه حاخامی مردسالار این است که زنان برای روابط جنسی خلق شده‌اند و مردان تا جایی به قوانین شرعی معطوف به زنان اهمیت می‌دهند که مربوط به امور جنسی باشد» (Ibid.: 128, 138).

از سوزانا هشل (S. Heschel) نقل شده است: «زنان هنگامی در مناقشات حاخامی حضور دارند که مسئله مربوط به زندگی مردان باشد؛ برای مثال، آنها در جایی به حساب می‌آیند که مربوط به مسائل طلاق یا ازدواج با مرد باشد. همچنین مردان همیشه در مسائل شرعی حضوری فعال دارند، در حالی که زن در این موارد به مثابه سوژه دیده می‌شود نه کسی که بتواند (همچون مردان) درباره امور دینی فتوا دهد یا متون دینی را تفسیر کند و به وضع قوانین پردازد» (Ibid.: 154).

زن یهودی در گذشته جرئت نداشت در اعتراض به این رفتار صدایش را بلند کند، زیرا این حاخام‌ها بودند که مسئولیت زندگی عمومی یهودیان و سلوکشان را همان‌گونه که گفتیم، به عهده داشتند و هر گاه چیزی را مخالف شریعت یا مخالف حکمشان می‌پنداشتند، سلاحشان حرم (اخراج از یهودیت) بود که سلاحی قوی و کارآمد به شمار می‌رفت و بر ضد کسانی به کار می‌بردند که برون‌شده از یهودیت می‌شمردند.

سیطره حاخام‌ها، پس از دوره‌ای که به آزادی یهودیان در اروپا طی قرن ۱۸ و ۱۹ م. معروف است و به آنها حقوق کامل اعطا شد و زن با مرد در کنار هم قرار گرفتند، رو به افول گرایید. در چنین فضایی بعضی از دسته‌های یهودی کوچک اروپا تحت تأثیر این قوانین قرار گرفتند و از سیطره حاخام‌ها خارج شدند؛ این دسته یا لقب سکولار به خود گرفتند یا در یهودیت فرقه‌ای برای خود تأسیس کردند. طبیعی بود که زن یهودی در چنین فضایی از سیطره حاخام‌ها خارج شود، به ویژه اگر در یکی از این دو مجموعه قرار داشت. زیرا این گروه‌های جدید می‌خواستند خودشان را از سیطره یهودیان بسیار متعصب ارتدوکس خارج کنند تا از سخت‌گیری‌هایی که یهودیت ارتدوکس داشت، رهایی یابند. ولی نتایج این تأثیرات بر زنان مدت‌ها بعد ظاهر شد، چون این کار آسان نبود تا بتوان قوانینی را که برای زن یهودی وضع شده یک‌شبه از بین بُرد.

ظهور جنبش فمینیستی در یهودیت

آمریکا نقطه آغاز جنبش فمینیسم بود، زیرا بیشتر یهودیان در آنجا حضور داشتند. این عامل باعث شد فمینیسم در آمریکا آغاز شود. جنبش فمینیسم در یهودیت، هم‌زمان با جنبش دوم فمینیسم در آمریکا بود؛ چون قبل از آن حرکتی فمینیستی در آمریکا در اوایل قرن بیستم به وجود آمده بود. مورخ این جنبش‌ها نویسنده چپی یهودی (مایل به کمونیسم) خانم بتی فریدن (Betty Friedan) بود که در ۱۹۶۳ کتاب *رازگونگی فمینیستی (Feminist Mystique)* را چاپ کرد. خانم فریدن در کتابش از اوضاع بد زنان در یهودیت و نیز سیطره مردان بر آنان و وابستگی مالی زنان انتقاد کرد. همچنین، در کتابش اذعان می‌کند که با این شرایط زن در زندگی پوچ و ناامیدی گرفتار آمده و در خانه محصور شده است؛ همچنین این مؤلف از مؤسسات دینی به دلیل قرار دادن زنان در شرایط سخت و دستور دادن مردان به زنان در امور دینی و همچنین ندادن فرصت به زنان برای سخن گفتن از حالات درونی خود، انتقاد کرد.

این کتاب تأثیر بسزایی میان زنان آمریکایی داشت. در حمایت از این کتاب مقالات بسیاری نوشته شد. در ۱۹۶۶ مؤسسه ملی زنان در ایالات متحده آمریکا با نام National Organization For Women تشکیل شد که با نام اختصاری (NOW) نشان داده می‌شود؛ ریاست این مؤسسه برای مدتی خود خانم فریدن بود. آن زمان شروع مرحله جدیدی در تاریخ حرکت فمینیسم آمریکا بود. از مطالبات این مؤسسه برداشتن تبعیض بین زن و مرد، توقف تجاوز جنسی به زنان در مؤسسات و مدارس، اجازه سقط جنین به زنان در صورت تمایل، آزادی جلوگیری از بارداری و برداشتن تمام خشونت علیه زنان و غیره بود که جنبش زنان به آن توجه خاصی کرد.

این جنبش‌ها اثر زیادی بر زنان یهودی گذاشت، به خصوص بر آنان که به وضعیت زن در یهودیت اهمیت می‌دادند؛ آنها شروع به حرف زدن و دفاع از حقوقشان کردند. از دیگر مطالبات این جنبش این بود که، زنان باید موقعیت ریاست در یهودیت، واجبات مساوی با مردان در عبادات، امور دینی و کنیسه داشته باشند. از تقاضاهای دیگر این جنبش این است که، زنان بتوانند حاخام شوند، در کنیسه سرود دینی بخوانند، عضو مجالس کنیسه باشند و عهده‌دار تربیت دینی شوند. تقاضاهای آنها در مراحل بعدی گسترده‌تر شد و مسائل فرهنگی، اجتماعی و دیگر مسائل را نیز در بر گرفت.

بدین طریق جنبش فمینیستی در یهودیت شکل گرفت که با جنبش‌های فمینیستی دیگر متفاوت است.

انتشار دو مقاله در دهه هفتاد تأثیر فراوانی در جنبش فمینیستی گذاشت، یکی از آنها تحت عنوان «آزادی، گم‌شده زن یهودی» نوشته ترود ویس - روزمارین (Trude Weiss-Rosmarin) است؛ این خانم انتقاد شدیدی به شریعت یهود، اعم از ظلم‌های فراوان به زنان یهودی و رفتارهای تحقیرآمیز بر آنان، به خصوص در مسائل ازدواج و طلاق داشت. مقاله دیگر تحت عنوان «یهودی‌ای که آنجا نبود؛ شریعت و زن یهودی» نوشته خانم راحیل آدلر (Rachel Adler) است که به شریعت یهود شدیداً انتقاد کرد؛ از جمله حاخام‌ها خواهان تغییر نگرش درباره تجربه زنان در شریعت یهود شدند (Wertheimer, 1993: 22). همچنین در این مرحله، اجتماعی از زنان یهودی که از خانواده‌های یهودی محافظ‌کار بودند، مؤسسه‌ای را با نام «عزرت ناشیم» تشکیل دادند؛ این نام غالباً به جایی اطلاق می‌شود که مخصوص عبادت زنان در کنیسه باشد، ولی در اصل معنای کلمه اول، «عزرت» به معنای «کمک» و کلمه «ناشیم» به معنای زنان است و در کل، به معنای «کمک به زنان» است.

زمانی که فرقه «عزرت ناشیم» کنفرانس سالانه‌اش را در ۱۹۷۲ تشکیل داد، در اختتامیه کنفرانس، بیانیه‌ای را با عنوان «دعوت به تغییر» صادر کرد، که در آن از رفتار دیانت یهود با زنان انتقاد شده و خواهان امور زیر بودند:

۱. به زنان اجازه دهند عضو کنیسه باشند.
۲. جزئی از منیان باشند (منظور از منیان حد نصاب در نماز جماعت یهودیان است، که حداقل متشکل از ده نفر مرد بالغ است).
۳. به آنان اجازه داده شود در تمام مراسم دینی شرکت فعال داشته باشند.
۴. به آنان اجازه داده شود شهادت دهند (شهادت معمولاً خاص مردان بود).
۵. به آنان اجازه طلاق بدهند، به جای اینکه این طلاق فقط در دست مرد باشد.
۶. به آنان اجازه داده شود حاخام باشند و سرودهای دینی بخوانند (Ibid.: 145).

با اینکه این اختتامیه مخصوص مؤسسه دینی بود، ولی در بین یهود و جنبش فمینیستی بازتاب فراوانی داشت. بعد از یک سال از صدور بیانیه اختتامیه به این فرقه یهودی محافظه‌کار اجازه داده شد زنان جزئی از «منیان» باشند و در مقابل نمازگزاران

برای زنان تورات خوانده شود که این قاعده‌تاً مخصوص مردان است. این رأی، موجب اختلاف نظر میان اعضای این گروه شد. به طوری که بعضی از حاخام‌ها از آن بیانیه سرپیچی کردند. مطابق نظرسنجی فقط هفت درصد از حاخام‌هایی که در آن گروه بودند با این بیانیه موافقت کردند.

حاخام‌های معارض در این فرقه، مؤسسه‌ای با عنوان «لجنة الحفاظ على التقاليد» (Ibid.: 146) «کمیته صیانت از آداب و رسوم یهودیت» ایجاد کردند که بعداً ضمن دگرگونی‌هایی این مؤسسه به اسم «اتحاد برای حفظ یهودیت کلاسیک» مشهور شد. پس از آن، این سازمان صدها حاخام و خانواده‌های آنها را در برگرفت که بعدها دانشکده‌ای را ایجاد کردند که رئیس آن حاخامی مخالف حرکت فمینیسم بود؛ ولی با وجود مخالفت‌های این فرقه درخواست‌های این جنبش فمینیستی، هرچند به کندی، مقبول واقع شد.

در دهه هفتاد، برخی جنبش‌های فمینیستی شکل گرفت که برای خود تشکل‌هایی تحت عنوان «الجبوروت» (زنان نیکوکار)، ایجاد کردند که به خواندن نماز با مردان مبادرت ورزیدند (با اینکه نماز برای زن در شریعت یهودی واجب نیست) و همچنین به درس خواندن به صورت مختلط با یکدیگر اقدام کردند؛ به طوری که آنها رابطه‌ای با دیگر فرقه‌های یهودی نداشتند.

از جمله بنیان‌گذاران تشکل‌های جبوروت شخصیت‌هایی چون پاولا هایمن (Paula Hyman)، از اساتید دانشگاه‌های معروف در آمریکا و از پیشروان جنبش فمینیستی است؛ او در تألیف کتابی با عنوان *زنان یهودی در آمریکا* که در ۱۹۷۶ نشر یافت، مشارکت داشت. همچنین از بنیان‌گذاران جنبش «عزرت ناشیم» است. شخصیت دیگر جودیت بلاسکو (Judith Belasco) است که او هم از اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه علوم دینی است. همچنین ویراستار معروفی به نام الیزابت کولتن (Elizabeth Colton) هم که نویسنده کتاب مهمی درباره جنبش فمینیسم یهودی در دهه هفتاد بود، در جنبش جبوروت مشارکت داشت. همچنین از فعالیت‌های مهمی که در این برهه از زمان اتفاق افتاد، تأسیس مرکز مطالعات زنان در کالیفرنیا بود؛ مؤسس آن آیرین فاین (Irene Fine) از پیشروان جنبش فمینیستی ۱۹۷۷ بود که بیشتر اساتید زن این دانشگاه، تورات، تلمود و کتب دینی دیگر را تدریس می‌کردند.

همچنین در این برهه از زمان، بعضی از نشریه‌ها به جنبش فمینیسم شکل گرفته در آمریکا اهمیت می‌دادند و شاید مهم‌ترین مجله در این حوزه لیلیث باشد که این مجله عبارت «مجله اختصاصی زنان» را روی جلد خود داشت. این مجله به طور عام مسائل زنان یهودی را مطرح می‌کرد و از حقوق زنان و فعالیت‌های آنها در داخل اجتماع یهود دفاع می‌کرد. همچنین هر از گاهی از تجاوز جنسی به زنان یهودی، به ویژه تجاوز حاخام‌های یهودی به زنان که مسکوت می‌ماند، پرده برمی‌داشت.

شخصیت‌های مشهور یهودی مثل سنتیا اوزیک (Cynthia Ozick) از نویسندگان معروف این مجله بودند که نویسنده و داستان‌نویسی معروف در این زمینه است. همچنین بلو گرینبرگ (Blu Greenberg) نویسنده معروف، صاحب کتاب زن و یهودیت است، این مجله لیلیث خوانده می‌شد، اسمش از نام لیلیث در اسطوره‌های یهودی اخذ شده و اولین زنی است که همراه آدم آفریده شده بود (یعنی از دنده آدم خلق نشد، بلکه طبق اساطیر یهودی از خاک خلق شده است؛ همان‌طوری که در تورات درباره حوا ذکر شده است). وقتی به لیلیث گفته شد «آدم بر تو برتری دارد»، او نپذیرفت که این از زبان حوا ذکر شده است؛ در سفر تکوین، باب ۳ آیه ۱۶، خدا حوا را خطاب کرد که: «آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد»، در حالی که لیلیث خود را با آدم برابر می‌دانست.

این مجله در همه شماره‌هایش، این عبارت را از کتاب *الفبای بن‌سیرا* آورد: «در بهشت عدن قبل از خوردن سیب، خداوند مقدس اولین مخلوق را تحت نام آدم، و زن را تحت نام لیلیث خلق کرد و لیلیث به آدم گفت: ما مساوی هستیم؛ زیرا هر دوی ما از یک خاک خلق شده‌ایم».^۴

اسم لیلیث در سفر اشعیا، باب ۳۴ آیه ۱۴، آمده است: «و وحوش بیابان با شغال خواهند برخورد و غول به رفیق خود ندا خواهد داد و عفریت (لیلیث) نیز در آنجا مأوا گزیده، برای خود آرامگاهی خواهد یافت».^۵

در سال ۱۹۸۱ جویدیت بلاسکو مؤسسه‌ای به نام «بنوت ایش» تشکیل داد، اولین بیانیه‌ای که از این مؤسسه صادر شد، هدفش را کشف جوانب روحی زنان اعلام کرد. این تشکل که در نیویورک از ۱۶ زن تشکیل شده بود، شروع به تدریس متون یهودی کرد و آنها را از منظر زنانه‌گرایی به لحاظ عملی و نظری تحلیل می‌کردند. همچنین

زنان با هم نماز می‌خواندند و به روز شنبه همچون یک کار معنوی مهم پای‌بند بودند. با اینکه این مؤسسه گسترش نیافت، ولی تأثیر بسزایی در جنبش فمینیسم یهودیت داشت، از جمله در نشر مقالات، بحث‌های علمی و کتاب‌هایی که متعلق به جنبش فمینیسم بود، به ویژه منشورهایی که مؤسسه جنبش بلاسکو نشر می‌داد، تأثیرگذار بود. از این مجموعه چند مجموعه دیگر به وجود آمد که از جمله مهم‌ترین آنها «أحوت نور» (به معنای خواهران نور) بود.

در ۱۹۸۳ اتفاق مهمی رخ داد که به نفع جنبش فمینیسم بود و در آن فرقه محافظه‌کار یهودی، زنان را در مؤسسه فارغ‌التحصیلان حاخامی پذیرفت؛ قبلاً دانشجویان این مؤسسه فقط از مردان بودند. در اولین پذیرش این دانشکده ۱۹ خانم هم پذیرفته شدند، اولین خانم حاخام در ۱۹۸۵ فارغ‌التحصیل شد (Freedman, 2000: 121). به همین ترتیب فرقه اصلاح‌طلب یهودی نیز دست به همین کار زد که بعد از مدتی در این فرقه حاخام‌های مرد با تعداد حاخام‌های زن مساوی شد. همچنین اقامه نماز خاص زنان، بزرگان جریان ارتدوکس یهود را به دلیل قدرت و قوت جریان فمینیستی وادار کرد به بعضی زنان در کنار مردان اجازه ارشاد و راهنمایی مردم و گروه‌ها را اعطا کنند (Ibid.: 121).

همچنین فعالیت‌های زنان ارتدوکس در بسیاری از کشورها همچون بریتانیا رشد یافت که تشکل «الجبوروت» شروع به اقامه نماز مختلط کرد و نیز بعضی از فعالیت‌های دیگر متعلق به کنیسه و نیز غیرکنیسه، نظیر مؤسسه‌های آموزشی، انجام شد. در آمریکا و کانادا سازمانی بزرگ وجود دارد که در آن مجموعه زیادی از جبوروت‌ها با نام «کمیته جبوروت ملی» جمع می‌شوند؛ از اهداف این کمیته برپا کردن گروه‌های بزرگ آموزشی در تابستان است که در آن صدها مرد و زن شرکت می‌کنند (Haker, Ross & Wacker, 2006: 17).

هنگامی که اولین کنفرانس جهانی ارتدوکس حول محور «فمینیسم و ارتدوکس» تشکیل شد، زنان ارتدوکس یهودیت سازمان خاص خودشان را در ۱۹۹۷ تحت عنوان اتحاد زنان یهودی ارتدوکس تشکیل دادند که این مجموعه با نقدهای شدیدی از طرف یهودیان ارتدوکس آمریکا مواجه شد، ولی با این حال این سازمان در سرتاسر جهان گسترش فراوانی یافت و امروزه حضور قدرتمندی در بریتانیا و آمریکا دارد. همچنین

حاخام معروف ارتدوکس به نام آوی وایس (Avi weiss) از نیویورک، اعلام کرد لقب حاخامه (زن حاخام) را به زنی که از مدرسه وی فارغ‌التحصیل شود، می‌دهد، ولی مجمع حاخام‌های آمریکا مخالفت شدید خود را با این موضوع بیان کرد و در اجلاس سالیانه‌اش تصویب کرد هرگز اجازه نخواهد داد تحت هر عنوانی زنان به مجلس عمومی آنان راه یابند و همچنین تقاضا کرد این حاخام را از مجلس عمومی یهودیان ارتدوکس آمریکا طرد کنند؛ ولی این حاخام تحت فشارهای زیاد تعهد داد هیچ خانمی را که از مدرسه وی فارغ‌التحصیل شده باشد به آن لقب نخواند. خانم بلا گرینبرگ (Bla Greenberg)، که یکی از زنان فعال جنبش فمینیسم است، رأی این مجلس را یک گام به عقب دانست (Jewish Chronical Newspaper, 30/4/2010).

بسیاری از زنان در اسرائیل تحت تأثیر این جریان کم‌کم شروع به اعتراض کردند و خواهان ایفای نقش بیشتری در عرصه دین شدند و اقدام به کارهایی کردند که تا پیش از آن در اسرائیل مرسوم و معمول نبود؛ آنها تشکیلاتی ایجاد کردند که یکی از آنها «نساء الحائط» (زنان دیوار ندبه) بود که رئیس این جنبش همسر یکی از حاخام‌های جامعه اسرائیل بود (Freedman, 2000: 122). این زنان برای نماز و دعا در اول هر ماه به دیوار ندبه روی می‌آوردند، کلاه یهودی پوشیده، تورات می‌خوانند (این عمل از رسوم خاص مردان یهودی است). از آنجایی که این عمل زنان در برابر دیوار ندبه، نزد یهودیت حریدیم (یکی از شاخه‌های یهودیت ارتدوکس) مخالف با شریعت یهود بود، آنها هر بار هنگام رفتن به نماز و دعا، مورد هجومه طلاب مدارس دینی «الیشفوت» (Alishvot) قرار می‌گرفتند. طلاب مدارس دینی به زنان نسبت‌هایی همچون «نازیات» (Naziat) و فحش‌های دیگر می‌دادند، یا کلاه‌های روی سر آنها را برمی‌داشتند و در بعضی مواقع کیسه‌ای از فضولات به زنان پرتاب می‌کردند. مهم‌تر از این، دادگاه عالی اسرائیل هم‌سو با خواست حکومت در سال ۲۰۰۳ حکمی صادر کرد که خواندن تورات در کنار دیوار ندبه، پوشیدن کلاه یهودی یا گذاردن تغیلین در کنار دیوار ندبه را برای زنان منع کرد؛ استدلال دادگاه هم این بود که این عمل به امنیت اجتماعی اسرائیل لطمه وارد می‌کند. طبق این حکم، پلیس شروع به دست‌گیری زنانی کرد که از این دستور سرپیچی کنند. ولی این زنان با این همه سخت‌گیری پلیس به دیوار ندبه می‌رفتند و مراسم را اجرا می‌کردند که تا الآن هم ادامه دارد.

در بعضی از کنیسه‌های داخل اسرائیل، مثل کنیسه «شیراه حدشاه» (ترانه جدید)، بعضی از زنان در داخل این کنیسه تورات می‌خوانند و در بعضی از مراسم نماز، امام جماعت می‌شوند. این چیزی است که نزد یهودیت ارتدوکس حرام است. حرکت فمینیسم امروزه در اسرائیل بسیار قوی و فعال است، کتاب‌ها و تحقیق‌هایی در خصوص تکوین، تاریخ و فعالیت‌های آنها منتشر شده است.

در سال ۲۰۰۸ مؤسسه شالوم هارتمن (Shalom Hartman) در مطالعات یهود که مؤسسه‌ای ارتدوکسی (ارتدوکسی جدید) در اسرائیل است، اعلام کرد این مؤسسه در سال جاری شروع به تأسیس کلاس‌هایی برای مردان و زنان به مدت ۴ سال با هدف فارغ‌التحصیلی زنان حاخام ارتدوکس خواهد کرد. اعتقاد بر این است که این حرکت در یهودیت ارتدوکس حرکت بسیار عظیمی بود. این مؤسسه در آینده، از بین زنان استادانی برای درس‌های دینی فارغ‌التحصیل خواهد کرد که مانند حاخام‌ها در کنیسه، برای اقامه نماز و سخنرانی به فعالیت بپردازند. در حقیقت این همان چیزی است که در بقیه فرقه‌های یهودی اصلاح طلب وجود دارد.

با اینکه در فرقه‌های غیرارتدوکس یهودیت حاخام‌های زن بسیاری وجود دارد و تعداد آنها به قدری زیاد شده که امروزه امری طبیعی به نظر می‌رسد، اما با این همه، بعضی از اعضای جنبش فمینیسم این برابری را صوری و نه حقیقی تلقی می‌کنند؛ یا بهتر بگوییم این مساواتی جزئی است و ما باید به دنبال مساوات کامل باشیم؛ چنان‌که حاخام‌های زن - همان‌طور که خودشان می‌گویند - تاریخ مردانه را تدریس می‌کنند، (یعنی تاریخی که مردان نوشته‌اند) یا با شیوه‌های وعظ مردانه موعظه می‌کنند و نمازی را می‌خوانند که خطاب به پروردگاری مذکر است و به نمازگزار نیز با ضمیر مذکر اشاره می‌کند.

جنبش‌ها و مناسبت‌های خاص زنان

جنبش فمینیسم یهودی ضرورت ایجاد جشن‌ها و مناسبت‌های خاص زنان را بخشی از تحقق هویت و اشتغال زنان می‌بیند. به همین دلیل، این جنبش جشن‌ها یا مناسبت‌های خاص خود را ابداع کرد و بعضی از مسائل متعلق به زنان را که در شریعت یهودی وجود دارد، پررنگ کرد یا مسائل جدیدی به آن افزود. از این‌رو موضوعاتی مثل

ولادت، پایان شیرخوارگی، بلوغ، ازدواج، طلاق، سن یائسگی، پایان قاعدگی، پایان زمان باروری، حاملگی، سقط ناخواسته جنین، سقط عمدانه جنین و آغاز محاسبه ماه جدید پس از اتمام یک دوره قاعدگی، مناسبت‌هایی هستند که جنبش فمینیسم باید به این موضوعات اهمیت دهد یا جشن بگیرد. از جمله جشن‌هایی که جنبش فمینیسم ایجاد کرد، ولادت دختر در مقابل ولادت پسر است؛ در یهودیت به هنگام ولادت پسر جشن می‌گرفتند و برای تبرک ابتدا نامی عبری روی او می‌گذاشتند و سپس آن نام را عوض می‌کردند. نام جشنی را که برای دخترها می‌گرفتند، به عبری «سمحت بت» به معنای (خوشحالی دختر) و برخی «شالوم بت» (به معنای سلامت دختر) نهادند. در این جشن پدر و مادر دختر سخنرانی کوتاهی انجام می‌دهند که هدف از این سخنرانی اهمیت دادن به دختر است.

همچنین جنبش فمینیسم جشن جدیدی با عنوان «بریت بانوت» به معنای (عهد دختران) ایجاد کرد که این جشن در مقابل «بریت میلاه» (به معنای «عهد ختنه») است و در یهودیت عمده‌تاً در روز هشتم ختنه پسر جشن گرفته می‌شود. در این جشن پدر و مادر پسر سخنرانی کوتاهی انجام می‌دهند. بعضی جنبش‌های فمینیستی یهودی، سر دختر را داخل حوضی که حمام شرعی یهودیان است، قرار می‌دهند یا پاهای دختر را می‌شویند که این عملی فیزیکی است؛ یهودیان معمولاً این اعمال را برای فرزند ذکور به هنگام ختنه انجام می‌دهند (Sheridan, 1994: 72-73). هدف از این جشن‌ها که جنبش فمینیسم آن را ابداع کرد، اهمیت دادن به دختر از زمان بچگی در مقابل فرزند پسر است.

چه بسا جنبش فمینیسم سبب شد بعضی از دعاها و مراسم دینی که متعلق به زنان است در کتب نماز یهودیت وارد شود. از این جشن‌ها می‌توان «فدیون هابت» (به معنای فدییه دختر) را نام برد. یعنی وقتی فرزند ذکور در یهودیت به دنیا می‌آید به حاخام در روز سی‌ویکم فدییه داده می‌شود و او را از حاخام می‌خرند (مطابق سنت). جنبش فمینیسم این عمل را برای دختر اول نیز انجام داد. جشن دختر، که مبدع آن فمینیست‌ها بودند، «فدیون هابن» (به معنای فدییه دختر) است که در مقابل جشن «فدیون هابت» (به معنای فدییه پسر) است.

همچنین جنبش فمینیسم جشنی را به مناسبت پایان شیرخوارگی برگزار می‌کند و نیز نمازهایی را وضع کرد که زن در هنگام حمل یا سقط جنین می‌خواند (Ibid.: 73).

در سال ۲۰۱۰، زنی به نام دבורه کوهِه (Deborah Koheh)، کتابی با عنوان *Celebrating your new Jewish Daughter*^۱ نوشت که در آن راه و روش‌های جشن برای دختران شرح داده شده است (Jewish Chronical Newspaper, 18/5/2001). همچنین درباره جشن «البت مصفاه» به معنای «تکلیف شرعی برای دختران» که نزد یهودیان در سن بلوغ دختر، یعنی دوازده‌سالگی، گرفته می‌شد و در اوایل قرن بیستم رواج داشت، آمده است: حاخام «مردخای قبلان» مؤسس «جنبش احیای بنای یهود» اولین کسی است که در ایالات متحده آمریکا سن بلوغ دخترش را جشن گرفت. سپس این جشن به تمام فرقه‌های یهودیت وارد شد، ولی بر فرقه ارتدوکس تأثیر نداشت. این جشن در مقابل جشنی به نام «بار مصفاه» برگزار می‌شد که در یهود نوعاً وقتی پسر به سن بلوغ (سیزده‌سالگی) می‌رسید برایش جشن می‌گرفتند.

از جشن‌های خاص جنبش فمینیسم، جشنی است که در آن، زن عادت ماهیانه‌اش شروع می‌شود؛ در این حالت طبق شریعت یهود، زن نجس است و باید از جامعه دوری کند تا پاک شود و غسل شرعی انجام دهد. بعضی از فرقه‌های یهودی بر آن‌اند که در این حالت نه تنها زن نجس است، بلکه حتی لباس‌هایی که می‌پوشد و آنچه به آن دست می‌زند نیز نجس می‌کند. رسم برخی یهودیان اروپایی این بود که وقتی دختر کسی را از عادت ماهیانه‌اش باخبر می‌کرد، یک سیلی خفیف بر صورتش می‌زدند. یهودیان ایران، اگر زن دچار عادت ماهیانه می‌شد، می‌گفتند: «مشکلات شروع شده است». به نظر می‌رسد برگزاری این جشن‌ها در میان یهودیان فمینیسم به منظور رد این رفتارهای مرسوم و تغییر آنها صورت می‌گیرد. همچنین در این حرکت فمینیستی برای زنانی که از عادت ماهیانه پاک شوند، جشنی دیگر گرفته می‌شد.

از جشن‌هایی که جنبش فمینیسم تأکید فراوانی بر آن دارد، جشن «عید فصیح» است که یکی از محوری‌ترین جشن‌ها نزد فمینیست‌ها است. چون این جشن طبق نظر تورات یادآور آزادی یهودیان از ظلم فراعنه مصر است (Freedman, 2000: 73). این جشن نزد زنان جنبش فمینیسم یادآور نقش و اهمیت زن در آن برهه تاریخی است و جنبش فمینیسم مراسم و شعائری برای این مناسبت ابداع کرد.

از مناسبت‌هایی که جنبش فمینیسم یهودی اهمیت فراوانی برای آن قائل است، جشن ماه جدید است که در زبان عبری «روش حدوش» (اول هر ماه) است. با اینکه

یهودیان به این روز اهمیت می‌دهند، ولی زنان برای آن ارزش بیشتری قائل‌اند. چون زن یهودی در قرون گذشته نقش فعالی در این جشن داشته است.

حاخام‌ها اهمیت چندانی به این جشن نمی‌دادند؛ با اینکه در سفر عاموس نبی، باب ۸ آیه ۵، اشاراتی در تورات درباره توقف کسب و کار در این جشن وجود دارد، (و می‌گویند: غره ماه کی خواهد گذشت تا غله را بفروشیم و روز سبت تا انبارهای گندم را بگشاییم و ایفا را کوچک و متقال را بزرگ ساخته، میزان‌ها را قلب و موعج نماییم)، ولی جنبش فمینیسم بدون هیچ دلیل تاریخی به آن خصلتی زنانه بخشید و آن را خاص زنان تلقی کرد. دلیل اینکه زنان به این جشن اهمیت می‌دهند این است که آنها معتقدند: وقتی بنی‌اسرائیل شروع به ساختن گوساله زرین کرد و این کار در غیاب موسی انجام شد، مردان به همسرانشان گفتند که شما طلاهایتان را بدهید تا گوساله بسازیم، ولی آنها امتناع کردند و گفتند شما می‌خواهید بت بسازید که ما را از گرسنگی و ... بی‌نیاز نمی‌کند، ما به شما طلا نمی‌دهیم و به این خاطر خداوند عیدی به زنان داد که به عید اول ماه معروف است و صرفاً مختص زنان یهودی است.^۷ این مسائلی که حاخام‌ها ذکر می‌کنند، در تورات وجود ندارد. موضوعی که در تورات ذکر شده این است که مردان خبردار شدند که طلا و زر و زیور دخترانشان را بگیرند و گوساله بسازند.

به مرور زمان ضرورت کنار گذاشتن کارهای خانگی، مانند شستن لباس که معمولاً زنان خانه‌دار انجام می‌دادند، تأیید شد. موضوعاتی که به آن اشاره شد، فقط در ادبیات یهودی وجود دارد، که در تورات به صورت عام ذکر شده بود.

در قرون وسطا برخی زنان یهودی اروپایی از این حالت بیکاری استفاده کرده، قماربازی می‌کردند. این را از فتاوی یکی از حاخام‌ها که در آن زمان در ایتالیا بود متوجه شدیم. متن فتوا نیز بدین صورت است که: «این زنان یهودی که در اول ماه قماربازی می‌کنند، وضعیت خانواده را به وسیله قمار از بین خواهند برد» (Sheridan, 1994: 123). از رسوم خیلی واضح این جشن روشن کردن شمع در شب اول ماه یا روز اول ماه است (Ibid.: 124)، که این عادت به مرور زمان از بین رفت.

ولی در عصر مدرن جنبش فمینیستی روح تازه‌ای به این جشن دمید که با جدیت تمام و با تمام امکانات این جشن برگزار شد. از سال ۱۹۷۰ اعضای جنبش فمینیستی، به خصوص در ایالات متحده آمریکا، این جشن را پررنگ کردند که این عمل به زنان

اسرائیلی نیز انتقال پیدا کرد. در این جشن، زنان مجموعه‌ای از کارها و فعالیت‌ها، مثل کارهای فنی، هنری، نواختن موسیقی، پخت انواع غذاها و کمک به مؤسسات خیریه انجام می‌دادند. همچنین بعضی از سرودهای دینی (تخنوت) را به این جشن‌ها وارد کردند، به علاوه بعضی سرودهای دسته‌جمعی را می‌خواندند و چند کتاب و مقاله چاپ کردند.

شاید مهم‌ترین مقاله‌ای که در ۱۹۷۰ درباره این جشن منتشر شد، مقاله آرنل آگوس (Arlene Agus) با عنوان «هذا شهر لک» «این ماه برای تو (زن)» است که خاص جشن‌های اول ماه است. پس از آن خانم بنینا ادرمان (Aderman) کتابی تحت عنوان «ینوع مریم» (چشمه مریم) (Ibid.: 125) و کتاب‌های دیگر به چاپ رساند.

زبان جدید در اشاره به خدا

جنبش فمینیستی گام جسورانه دیگری در رهایی از سیطره مردان برداشت. این جنبش شروع به نقد زبانی استعمال نام خدا در نمازها، دعاها و سرودهای دینی کرد. در یهودیت از صیغه مذکر، مثل سید (آقا)، ملک (پادشاه)، سرپرست و نام‌های دیگر برای اشاره به خدا در اسما و صفاتش استفاده می‌شد. همچنین وقتی می‌خواستند چیزی را تشبیه به قوت، سیطره و چیرگی کند، صیغه مذکر به کار می‌بردند. مثلاً در عبری برای دادن لقب قوی به شخص از صیغه مذکر «سلع»، به معنای «صخره» (با سخت)، استفاده می‌کنند. از جودیت بلاسکو نقل شده است: «زبانی که برای خطاب به خدا به کار رفته است زبانی گلچین شده و کاملاً یک‌طرفه است؛ در حالی که فرض گرفته می‌شود که خداوند فراجنسیتی است اما اسما و صفات به کاررفته درباره خدا به معنای قدرت و استیلا است (که کاملاً مردانه است). «رب» در ناخودآگاه یهودی صاحب صدای بلند، پادشاه یا آقا است که بر مردم حاکمیت دارد و در جنگ‌ها آنها را رهبری می‌کند...». همچنین خانم بلاسکو اضافه می‌کند: «وقتی خدا مذکر است و ما بر صورت خدا خلق شده‌ایم، چرا صیغه مذکر قاعده‌ای عام برای یهودیت نیست... کتاب نماز، که در آن صیغه مذکر به کار رفته است، زن را از مشارکت در زندگی دینی و تعلیم دین در یهودیت منع کرده است، پس ضروری است خدا جنبه مؤنث داشته باشد؛ این بر ذهنیت انسانی فرد یهودی اثر خواهد داشت. به نظر خانم بلاسکو: «در فرهنگ یهودی

سرنخ‌هایی وجود دارد که می‌توان برای مؤنث کردن بعضی از موضوعات از آن استفاده کرد» (Heschel, 1983: 227-229).

بعضی از آنان با اشاره به استفاده از دو صیغه مذکر و مؤنث، از هر دو صیغه برای خدا استفاده کرده‌اند. برای مثال، در کتاب اشعیا، باب ۴۲ آیات ۱۳-۱۴، از هر دو صیغه مذکر و مؤنث استفاده شده است: «خداوند مثل جَبَّار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزد. فریاد کرده، نعره خواهد زد و بر دشمنان خویش غلبه خواهد نمود. از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده، خودداری نمودم. الان مثل زنی که می‌زاید، نعره خواهیم زد و دم زده، آه خواهیم کشید».

در سال ۱۹۸۰ کتاب نمازی در آمریکا چاپ شد که حاوی قسمت‌های ترجمه‌شده‌ای از مزامیر داوود بود و در آن صیغه‌های مؤنث به جای صیغه‌های مذکر به کار رفته بود. «چنان‌که در این دعا به جای فعل و ضمیر مذکر از ضمیر و فعل مؤنث استفاده شده است و خود دعا به شرح ذیل با این مفهوم آمده است که: «آسمان‌ها را با ابرها می‌پوشاند و باران را برای زمین مهیا می‌کند و گیاه را بر روی کوه‌ها می‌رویاند که بهایم و بچه‌های کلاغ را که فریاد می‌زنند، آذوقه دهد» (Sheridan, 1994: 147).

بعضی از زنان به این شیوه استعمال اعتراض داشتند و آن را ثنویت در عقیده می‌دانستند و معتقد بودند نباید دو لغت مذکر و مؤنث برای اشاره به خدا استعمال شود، «چون ما به خدای واحد اعتقاد داریم». اگر دو عبارت یا دو صیغه برای خدا به کار بریم، خدا ناقص است و این با صفات خدا منافات دارد (Ibid.: 166-168). بعضی از زنان معتقدند باید برای خدا کلاً صیغه مؤنث به کار برده شود، پس به جای آوردن لفظ «ملک الکون» (پادشاه کل عالم) باید کلمه «ملکه الکون» (ملکه جهان) را استفاده کنیم. خانم دینا گروس (Deena Gross) کسانی را که برای خدا صفات مذکر به کار می‌بردند رد می‌کند؛ این موضوع از فرهنگ دینی یهود استعمال شده است. به نظر وی: «اگر شما به استعمال‌های عامیانه معتقد نیستید و مقصودتان مذکر حقیقی است که در میان عوام راه یافته است، چرا این سنت‌های عامیانه را کنار نمی‌گذارید تا سنت‌های مؤنث را، که در ادیان دیگر برای خدا داده شده، به فرهنگ خودمان وارد کنیم» (Ibid.: 242).

ولی این نظر با اعتراض برخی فمینیست‌های دیگر مانند ستیثا اوزک مواجه شد؛ «چراکه به نوعی آن را بازگشت به بت‌پرستی و پرستش عشتار و فینوس و ...

می‌دیدند. در حقیقت، یهودیت آمده تا ما را از این بت‌ها رهایی بخشد». خانم اوزک اضافه می‌کند: «اگر در یهودیت اصطلاحات مؤنث را جایگزین اصطلاحات مذکر کنیم، چنان یهودیت را دچار تغییر می‌کند که گویی دین دیگری شده و چیزی از یهودیت باقی نمی‌ماند و آنچه را که یهود شب و روز، قرن‌ها، در نمازشان بیان می‌کردند که همانا خداوند پروردگار ما واحد است، دیگر بی‌معنا خواهد شد» (Ibid.: 121).

بعضی معتقدند باید ضمیر بی‌طرف، مانند ضمیر *it* برای خدا به کار برده شود، از جمله کسانی که از این دیدگاه طرفداری می‌کنند، شاعر آمریکایی خانم مارشا فالک (Marcia Falk) است که در دهه ۹۰ قرن گذشته دیوان شعری با عنوان *کتاب البرکات* از او چاپ شده است، که در آن از ضمیر خنثا برای اشاره به خدا استفاده کرده است. همچنین در دیوانش برای اشاره به نماز جماعت، برای مردان و زنان صیغه‌های خنثا به کار برده است (کلماتی مثل آبائنا و اجدادنا در نمازهای یهودی بسیار استفاده می‌شود). او معتقد بود همه آن چیزهایی را که بیان کرده ریشه در یهودیت، کتاب مقدس و تفسیر میدراش دارد (Neusner and A. Avery- Peck, 2001: 319).

بعضی از زنان فمینیست این نظریه را نقد کردند؛ دلیلش این بود که این ضمائر غریب در خطاب به ربّ، همگی در آداب و عادات نماز یهودی اصیل، بیگانه به شمار می‌آید و معتقدند به کار بردن ضمیر بی‌طرف در زبان عبری امکان‌ناپذیر است، چون زبان عبری مثل زبان عربی، دو نوع ضمیر دارد و ضمیر سومی [ضمیر خنثا] در آن راه پیدا نکرده است و ضمیر مذکر و مؤنث برای خطاب به بشر و تمام اشیا کافی است.

اما طرحی که جنبش فمینیسم پیشنهاد می‌کند، کینه و نیز خشم یهود ارتدوکس را برمی‌انگیزد و همه پیشنهادهای این جنبش را رد کردند، آنها معتقدند زبان روایی که در خصوص اسما و صفات برای خدا در فرهنگ سنتی یهودیت به کار برده شده است، مقدس است و جایز نیست در آن دست برده شود، چون اگر در آن دست‌کاری کنیم شکاف عمیقی بین زبان نماز، زبان تلمود و میشنا ایجاد خواهد شد؛ این جدل تا به امروز وجود دارد و اشاراتش به رب تأثیر بسزایی در زبان عبری یهودی ایجاد کرده است. برای مثال، کاربرد فراوان اصطلاحاتی همچون «ملجأ»، «روح» و غیره در اشاره به

رب از طرف شاعران و زبان‌نویسان زن و مرد که در زبان عبری قدیمی معمول نبوده ولی امروزه به کار می‌رود. این جدل در همایش‌هایی که یهودیان درباره زن تشکیل می‌دهند، به وفور یافت می‌شود.

تأثیر فمینیسم بر دیانت یهود

با وجود تحقق بسیاری از آرمان‌های جنبش فمینیسم یهودی از ابتدا - به طوری که اکنون زنان می‌توانند به مقام حاخامی برسند و در بسیاری از مسائل دینی شرکت کنند که مدت‌ها از آنها دریغ شده بود - هنوز هم آنها خواهان امتیازات بیشتری هستند و معتقدند همچنان با تحقق آنچه آرزویشان بوده فاصله دارند. حاخام‌های زن باز هم احساس می‌کردند بین حاخام‌های مرد و زن تبعیض می‌گذارند، به خصوص زمانی که حاخام‌های زن می‌خواستند در جایی مشغول به کار شوند.

در ۱۹۸۰ یک مجله یهودی آمریکایی، جنبش فمینیسم زنان در یهودیت را انقلاب و تحولی بزرگ در یهود دانست که بسیاری از مفاهیم اجتماعی را در عالم یهودیت تفسیر کرده است. به خصوص درباره زندگی یهودیان در آمریکا از زمانی که زن را موجودی درجه دوم به حساب آوردند این انقلاب از ده سال قبل شروع به تجدید نظر در خصوص شریعت یهود کرد (Heschel, 1983: 337).

با هر معیاری که مقایسه شود جنبش فمینیسم یهودی، نوعی انقلاب بود؛ در یکی از نشریه‌های یهودی آمریکا در ۱۹۸۰ آمده بود که آنچه جنبش فمینیسم یهودی بدان پرداخته نوعی انقلاب اجتماعی است که جریان زندگی یهودیان آمریکا را تغییر داد. این انقلاب در ده‌ها سال پیش نوعی بازنگری در شریعت یهود را آغاز کرد؛ شریعتی که زن را انسان درجه دوم می‌دانست. برخی دیگر آن را فقط انقلابی اجتماعی ندانستند بلکه انقلاب دینی نیز شمردند. آنچه واقع شد انقلابی است در جایگاه، حقوق و نقش زن. این انقلاب هیچ مشابهی در کل دین یهودیت نداشت مگر همین جنبش بیداری و جنبش صهیونیسم. انقلاب فمینیستی با نقد نقش خانواده در یهودیت نه تنها بر متدینان بلکه بر سکولارها هم اثر گذاشت. جنبش فمینیسم به راستی انقلاب است، زیرا دیانت یهود و قوانین آن و نیز آداب و رسوم اجتماعی متعارف یهودی را به چالش کشید (Sheridan, 1994: 116).

شاهد مدعای ما قول خانم جودیت بلاسکو است که معتقد است: نتایجی که از حرکت فمینیسم یهود به وجود آمد، فقط تجدید نظر در هلاخا (شریعت) نبود، بلکه از آن فراتر بود، چراکه اساس زندگی یهودیان را به طور کلی دچار تغییر کرد. جنبش فمینیسم خواهان فهم و تغییر جدیدی از تورات، خدا و خود یهودیت است. به همین دلیل، فهم جدید از تورات، یعنی اعتراف تورات به ظلم در حق زن است، چون نگاه پست تورات به زن بسیاری از مفاهیم شریعت و حتی آداب و رسوم و به طور کلی میراث یهود را مسموم و عقیم کرده است (Heschel, 1983: 231).

در نگاه بعضی فمینیست‌ها این جنبش توانست تأثیر مثبتی در جهان یهودیت بگذارد. چون توانست بسیاری از مفاهیم معنوی، اخلاقی و حیات‌بخش را به یهودیت اضافه کند. اگر این جنبش فمینیستی ادامه پیدا کند، در آینده یهودیت برای دفاع از گفته‌های انبیا قوی‌تر خواهد شد.

چارلز سیلبرمن (Charles Silberman) معتقد است: «پتانسیلی که جنبش فمینیسم یهود پدید آورد، تا مدت زمان زیادی منبع و سرچشمه هر گونه تجدید نظر دینی خواهد بود» (Silberman, 1986: 262).

ولی این حرکت فمینیستی در یهودیت را بسیاری از یهودیان نقد کردند و دیدیم که چگونه برخی حاخام‌ها به قبول زنان برای حاخام شدن اعتراض کردند و از گروه جدا شدند. بیشتر کسانی که این حرکت را نقد می‌کنند، یهودیان ارتدوکس و شاخه‌های مختلف این فرقه تندرو و غیرتندرو هستند. بعضی از آنان معتقدند: «چیزی که جنبش فمینیسم یهودی انجام می‌دهد، تحریف کاملی از دیانت یهودیت است که در نهایت ما را به انحراف خواهد کشید» (Freedman, 2000: 123). و بعضی‌ها معتقدند این جنبش فمینیسم نه تنها یهودیت و شعائر آن را از بین خواهد برد، بلکه خانواده یهودیت را نیز منهدم خواهد کرد.

بعضی‌ها اشکال کردند که اگر جنبش فمینیسم بر تورات، شریعت، تعالیم حاخام‌ها، اخلاق، نمازها و «الاهیات» تأثیرگذار باشد، یهودیت بسیار ضعیف خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. از دکتر مهدی لکزایی، که این ترجمه نتیجه راهنمایی‌های ایشان است، و نیز از دکتر علی قناعتیان، که ویراستاری این مقاله را بر عهده گرفتند، سپاس‌گزاریم (م).
۲. امروزه هزاران زن یهودی داخل و خارج اسرائیل وجود دارند که شوهرانشان از طلاق دادن آنها به دلایل مختلف امتناع می‌ورزند. زن در این حالت را به عبری (آغوانه) می‌گویند که به معنای در قید و بند بودن است؛ چراکه هنوز از قید و بند پیوند زناشویی با طلاق آزاد نشده است. امروزه یکی از مشکلات بزرگ زنان یهودی همین وضعیت است و آنها برای حل این مشکل انجمن‌های بسیاری تأسیس کرده‌اند.
۳. فرقی ابوت رساله‌ای در میشتا به معنای اخلاق پدران و شامل اقوال بزرگان و حاخام‌های قدیمی یهود است که در بعضی از جشن‌ها خوانده می‌شود. «در این کتاب زن هم‌ردیف حیوانات دانسته شده است».
۴. آمده است بن سیرا در قرن دوم قبل از میلاد زندگی می‌کرده است، او صاحب کتاب حکمت بن سیرا است. اعتقاد بر این است که کتاب *الغبا* که به او نسبت داده می‌شود در قرون وسطا تألیف شده است و شامل امثال و داستان‌های مردمی و اساطیر و حکمت است که به حروف ابجد مرتب شده است.
۵. خاستگاه لیلیث به عصر بابلی یا شاید به عصر سومری باز می‌گردد، در اسطوره‌های بین‌النهرین شاهد دو نوع اسم لیلو (مذکر) و لیلتو (مؤنث) هستیم. همچنین در برخی متون آشوری ریشه‌های این دو نام آمده است و نیز در حفاری‌های شمال سوریه مجسمه‌هایی به شکل شیطان بالدار دیده شده که متعلق به قرن ۷ یا ۸ ق.م. است که در آنجا عباراتی پیدا شده با این مضمون: «در این اتاق تاریک به سوی چه کسی می‌خواهی پرواز کنی، ای لیلیث از اینجا خارج شو». در فرهنگ یهودی لیلیث مخلوق بدنام و زشتی است که به زن فاحشه، شر، زن دروغ‌گو یا زن سیاه معروف است و بعداً لیلیث، زن ابلیس خوانده شد. بسیاری از یهودیان معتقدند لیلیث می‌کوشد پسران را در هنگام زایمان بکشد، به این دلیل هنگام ولادت طفل، چشم‌نظر و بعضی از طلسم‌ها را روی سر این کودک یا بر دیوارهای اتاق می‌گذارند تا این طفل از شر لیلیث در امان بماند. یهودیان شرقی وقتی می‌خواهند لیلیث را بکشند، او را به شکل زنی در بند ترسیم می‌کنند.
۶. «بزرگ‌داشت دختر جدید یهودیان».
۷. بعضی از مردمان کهن، ماه و باروری را به هم ربط می‌دادند و برخی نیز به ماه، سیدالنساء می‌گفتند.

- Biale R. (1984). *Women and Jewish Law*, New York: Schocken Books.
- Freedman, S. G. (2000). *Jew vs. Jew: The Struggle for the Soul of American Jewry*, New York: Simon & Schuster.
- Haker, H.; Ross, S.; M-Th. Wacker (eds.) (2006). *Women Voices in the World Religion*, London: SCM Press.
- Heschel, S. (1983). *On Being a Jewish Feminist*, New York: Schocken Books.
- Jewish Chronical Newspaper, 18/5/2001
- Jewish Chronical Newspaper, 30/4/2010
- Neusner, J.; Avery-Peck, A. (eds.) (2001). *The Blackwell Reader in Judaism*, Oxford and Malden, MA: Blackwell Publishers
- Shahak I.; Mezvenisky, N. (1999). *Jewish Fundamentalism in Israel*, London: Pluto Press.
- Sheridan, S. (ed.) (1994). *Hear Our Voice: Women Rabbis Tell their Stories*, London: SCM Press.
- Silberman, Charles E. (1986). *A Certain People: American Jews and Their Lives Today*, USA: Summit Books.
- Talmud Torah, Law* (1970). Translated by Eliyahu Touger, Maimonides.
- Wertheimer, J. (1993). *A People Divided, Judaism in contemporary America*, New York: Basic Books.